خبر

جزئیات خدمات وزارت بهداشت به اتباع بیگانه

● **ایسنا:** دکتر محمود سروش، رئیس اداره مراقبت مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، در تشریح اقدامات این وزارتخانه برای اتباع کشورهای همسایه ایران گفت: اگر یک بیمار مبتلا به سل و سل مقاوم به درمان از اتباع افغانستان وارد ایران شود، بر اساس پروتکل درمانی سل، ما تا مرز ۲۵۰ میلیون تومان به طور رایگان برای آن هزینه می‌کنیم. اگر بخواهیم شهروندان ایرانی سالم بمانند، باید از این اتباع مراقبت کنیم که تحت تأثیر بیماری قرار نگیرند.

وی گفت: در منطقه مدیترانه شرقی، کشوری عاری از بیماری فلج‌اطفال هستیم. درحالی‌که این بیماری در افغانستان و پاکستان شکسته است؛ یعنی مواردی از فلج‌اطفال در آنها دیده شده است. در عراق نیز فلج‌اطفال به خاطر جنگ مشاهده می‌شود. ایمن‌سازی در سوریه هم از اوایل جنگ با داعش، به ۶۰ درصد رسید.

سروش گفت: درصد عمده‌ای از این اتباع در مهمان‌شهرها استقرار داده می‌شوند و تحت پوشش اولیه خدمات بهداشتی و درمانی قرار می‌گیرند. به طور کلی ۲۲ واحد بهداشتی تحت عنوان «بهداشت‌سرا» در کشور و در مهمان‌شهرها مستقر هستند.

این مراکز مثل مراکز بهداشتی درمانی شهرها هستند و هر کدام پزشک، ماما، کارشناس بیماری‌ها و کارشناس بهداشت محیط دارند. چون آنها در این جمعیت مستقر هستند، ما هم به آنها خدمات می‌دهیم. به جای بهورزی که در خانه‌های بهداشت فعالیت می‌کند، از جنس خود اتباع ایرانی «به‌بخش‌ها» در بهداشت‌سراها فعالیت می‌کنند. ما مفتخریم از بین مردم هر اردوگاه و مهمان‌شهر، تعدا زیادی رابط یا سفیر سلامت انتخاب کرده‌ایم؛ مثلا در اردوگاه ناصری ساوه حدود ۷۰ رابط سلامت داریم که موظف هستند پیام‌های بهداشتی را به منازل ببرند. آنها دقیقا مثل اتباع ایرانی خدمت می‌گیرند.

سروش، پایگاه‌های بهداشتی خارج‌اردوگاهی را مرکزی برای ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به اتباع در اردوگاه‌ها معرفی کرد و گفت: ما در این مناطق پایگاه بهداشتی خارج‌اردوگاهی داریم که به طور اختصاصی در وسط منطقه قرار دارد؛ مثلا در کرمان و دشت زحمتکشان و منطقه سیم‌خاردار این مراکز تحت عنوان پایگاه وحدت و فخاران فعالیت می‌کنند. برای آنها نیز تسهیلات زایمانی طراحی کردیم. در استان خراسان رضوی در گلشهر، پایگاه اردوگاهی داریم که محل تجمع اتباع است. در اصفهان، بیرجند و هر نقطه‌ای که آنها تجمع دارند، خدماتی دقیقا مثل خدمات مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی با همان امکانات ارائه می‌شود.

سروش، مهاجران غیرمجاز را معضلی جهانی خواند و گفت: اگر این مهاجران وارد کشور شوند، تا زمانی که هستند از خدمات ما بهره‌مند می‌شوند، اگرچه آنها فرار می‌کنند. بزرگ‌ترین اقدامی که انجام شد، ایمن‌سازی و واکسیناسیون آنها بود. چهار مرحله ایمن‌سازی برای آنها در حال انجام است. در کل توانستیم حدود ۴۵ هزار دانش‌آموز را از این جمعیت بگیریم و اتباع غیرمجازی که نترسیدند دولت آنهارا اخراج کند، وارد مدارس شدند. آنها می‌توانند خدمات بهداشتی درمانی اولیه را در هر مرکز بهداشتی و درمانی و خانه بهداشت و در اردوگاه‌ها نیز دریافت کنند.

بازخوانی جشنواره «زنان سرزمین من» و عدم تکرار نمایش زنده لباس و آسیب‌های این حوزه در سال‌های اخیر

ارائه مدل‌ها در حد جمعه بازار شده

معصومه اصغری: در جریان برگزاری «جشنواره زنان سرزمین من»، جمع زیادی از تولیدکنندگان پوشاک زنان، طراحان، دانشجویان و... همراه شدند تا علاوه بر تعاریف جدیدی از مد، مدل‌هایی از پوشش زنان را عرضه کنند و در این مسیر موفقیت‌هایی را هم به دست آوردند، زیرا رواج پوشش چند مدل چادر مانند چادر ایرانی یا چادری که به «چادر مانتویی» معروف شد ازجمله این موارد بود. پس از این جشنواره بود که مدل‌های جدیدی از مانتوهایی با المان‌های سنتی و رنگ‌های شاد در جامعه بر تن زنان دیده می‌شد و در فضای حساس آن روزهای جامعه به «گشت ارشاد»، این جشنواره مدل‌هایی تأییدشده را به زنان ارائه می‌داد که منعی برای استفاده نداشت. فرحناز قندفروش از سال ۸۵ به‌واسطه ارتباط مستقیم با موضوع مد و لباس، این موضوع را تبدیل به دغدغه جدی خودش و جمع زیادی از طراحان و البته زنان کرد. اگرچه او ارتباط و تعامل نزدیکی با مدیران وقت استانداری و وزارت کشور در دولت نهم داشت و این عامل تأثیر زیادی بر حمایت از اجرای سه دوره جشنواره «زنان سرزمین من» گذاشت، اما در این میان نمی‌توان تلاش مستمر و جدی او و همکارانش را برای عبور از برخی موانع عمدی و غیرعمدی بر سر راه این جشنواره و اهدافش ندید. او حالا مسئولیت قبلی را ندارد و جشنواره‌ای هم بعد از «زنان سرزمین من» در آن ابعاد و با آن استقبال همراه با نمایش زنده لباس برگزار نشد.

قندفروش معتقد است پس از پیروزی انقلاب اسلامی رویکردی جدید و مجزا در پوشش برای زنان به وجود آمد که یکی از آنها تحول در ظاهر بود و این‌گونه بود که حجاب قانونی شد. در این تغییرات مانتوهای بلند و گشاد، عمدتا با سه رنگ مشکی، سرمه‌ای و قهوه‌ای وجود داشت و فقط پس از جنگ شاهد ورود رنگ‌هایی جدید و متفاوت همراه با مدل‌های جدید به جامعه بودیم. قندفروش تأکید می‌کند غفلت اصلی که درباره پوشش زنان و مسئله حجاب در جامعه ما به وجود آمده از همین زمان شروع می‌شود که برنامه‌ای برای مسئله مد و لباس وجود ندارد. در سال‌های اوایل دهه ۷۰ بود که در غیاب تلاش مسئولان دولتی و بازار پوشاک ایران، کشورهایی مانند چین و ترکیه و... با واردکردن مدل‌ها متنوع مانتو و سایر پوشاک، بازار ایران را در دست گرفتند، اما با وجود نشانه‌های مشخص در جامعه، باز هم مسئولان اجرائی حمایت و برنامه‌ریزی از صنعت مد و لباس و اصل موضوع فرهنگی آن نکردند و تا امروز هم ادامه دارد. به عبارتی تفکری که جلوی هرگونه اقدام در حوزه مد و لباس را گرفته بود، در ارائه پوشش‌های مناسب به بانوان ایرانی در داخل کشور هم مقاومت می‌کرد و این‌گونه بود که زن ایرانی که به‌دنبال پوششی جدید و متفاوت بود، نتوانست نیاز خود را در داخل کشور تأمین کند و این خلأ، بازار واردات را قوی‌تر کرد.

اگرچه قندفروش خودش جشنواره زنان سرزمین من را با حمایت استانداری برگزار کرده، اما تلاشش برای فعال‌کردن گروه‌های خصوصی و مردمی و خود طراحان و تولیدکنندگان بوده و معتقد است ورود دولتی به مقوله مد و لباس از ابتدا اشتباه بود و او هیچ‌گاه به دنبال این اتفاق نبوده است. او می‌گوید: هیچ‌گاه نمی‌توان همه مردم را در یک قالب قرار داد و مجبورشان کرد تا از فلان مدل استفاده کنند، درعین‌حال ایران هم کره‌شمالی نیست تا همه یک یونیفرم مشخص را بپوشند. در چند دهه گذشته این اعتماد در مردم کشور خودمان نسبت به تولیدات داخلی ایجاد نشده تا لباس‌های تولید داخل را برگزینند، درحالی‌که پتانسیل‌های خوبی در طراحی مدل‌های

عکس: میلاد پیامی

تأثیرگذار داشته‌ایم که خود را در مجامع بین‌المللی ارائه کرده‌اند و از آنها حمایت شده است. سؤال اینجاست که چرا این طراحان خوش‌فکر و خوش‌ذوق نباید در داخل کشور خودشان فعالیت کنند و بازار به این ارزشمندی را از دست بدهیم؟ چرا باید طراحان خوش‌فکر و معروف ما شوهای لباس و آتلیه‌های خود را در کشورهای خارجی برگزار کنند تا از بازار داخلی و خارجی عقب نمانند؟ قانون مد و لباس در سال ۸۵، ۸۶ به تصویب رسید و در آن زمان مناسب بود، اما بسیاری از بخش‌های آن اجرائی نشد و امروز نیاز به بازنگری اساسی دارد چراکه دستگاه‌های متولی در آن قانون هیچ‌گاه نتوانسته‌اند به وظایف خود عمل کنند.

او با اشاره به اقدامات بنیاد ملی مد و لباس در سال‌های اخیر، گفت: این مجموعه فارغ از اشکالات اساسی که دارد، ظرفیت اندکی را هم در اختیارش گذاشته‌اند. مجموعه‌های دولتی نباید ورود مستقیم به موضوع مد و لباس داشته باشند، بلکه باید با ایجاد بسترهای لازم طراحان، شرکت‌ها و تولیدکنندگان را به این عرصه امیدوار کند و درعین‌حال با ایجاد بستر فرهنگی موانع موجود را تسهیل کند. البته برخی از مدل‌های ارائه‌شده در نمایش‌های زنده بنیاد ملی مد و لباس و بسیاری از مراکز فروشی که مورد تأیید این بنیاد هستند به‌دلیل رعایت‌نکردن سلایق مخاطبان و نوآوری‌نکردن یا نداشتن حدود شرعی و مانند اینها، قابلیت استفاده در انظار عمومی و سطح شهر را ندارند. فارغ این موارد، سطح ارائه مدل‌ها در نمایش‌های زنده فعلی که مجوز دارند، بسیار پایین و بدون کیفیت و جذابیت‌های حتی مجاز هستند. در شرایطی که بسیاری از طراحان و مخاطبان این مدل‌ها خودشان و کارشان را با سطح کشورهای اروپایی تنظیم می‌کنند معلوم است که این نوع از ارائه را نمی‌پسندند. این فعال حوزه مد و لباس درعین‌حال تأکید می‌کند که نبود یک فضای فرهنگی و هنری دائم برای ارائه این مدل‌ها در تعداد بیشتر و شرایط متفاوت وجود ندارد و طراحانی که توان مالی کمتری دارند از کمترین حمایت‌ها برای ارائه فعالیت‌های خود برخوردار نیستند.

او که تجربه شکل‌دادن به مجموعه جشنواره‌های زنان سرزمین من و اجرای نمایش زنده لباس در سه دوره را در کارنامه فعالیت خود در حوزه مد و لباس دارد پیشنهادش این است که وزارت ارشاد گالری و فضایی مناسب را همچون فضایی که برای سایر اقشار هنری ازجمله نقاشان در نظر می‌گیرد، برای طراحان هم پیش‌بینی کند تا آنها به طور دائمی بتوانند با رعایت شئونات مورد نظر در این سالن‌ها، نمایش زنده لباس را داشته باشند. طراحان هم نوعی هنر را خلق می‌کنند و اگرچه درحال‌حاضر شرایط عرضه گسترده و علنی یا نمایش زنده در تلویزیون وجود ندارد، اما حداقل می‌توانند در فضایی بسته و برای خانم‌ها این نمایش زنده را اجرا کنند.

قندفروش به ورشکستگی و خانه‌نشین‌شدن بسیاری از طراحان خوش‌فکر در سال‌های اخیر اشاره کرد و گفت: فضاهای محدودی که درحال‌حاضر برای عرضه و نمایش مدل‌ها پیش‌بینی شده، استاندارد نیست و کیفیت لازم را ندارد اما برای همین فضاها هم مبالغ قابل توجهی از طراحان اخذ می‌شود. اگر قرار است در این حوزه موفق شویم و به این عرصه کمک کنیم باید راه را به نحوی باز بگذاریم تا حرکتی صورت گیرد، در غیراین‌صورت نباید از افزایش غیرمجاز و نگران‌کننده مدل‌های غیرمجاز و مراسم و نمایش‌های زنده اظهار نگرانی کنیم. من به‌عنوان کسی که سال‌ها است در این عرصه مستقیما کار کرده‌ام و با طراحان و تولیدکنندگان در ارتباط هستم، تأکید دارم حتی برخی از لباس‌هایی که از فیلتر بنیاد بیرون می‌آید مؤلفه‌های لازم برای حضور در بازار را ندارد و این یعنی کار اصلی‌ترین مرجع ایراد دارد. درعین‌حال دست‌وپای طراحان را با عدم مدیریت و نداشتن برنامه بسته‌اند و در هر جا که دلیلی پیدا نمی‌شود، موضوع به شئونات اسلامی نسبت داده می‌شود. درصورتی‌که با همین رعایت شئونات اسلامی، سه دوره «زنان سرزمین من» را برگزار کردیم و حتی از سوی تعدادی از علما و استادان فعال در حوزه‌های علمیه و بخش‌های دیگر مذهبی مورد حمایت و تأیید بودیم. اگرچه همراهی زیادی با ما صورت گرفت، اما برخی افراد در موقعیت‌های حساس تفکری مخالف داشتند و بعدها هم با همین تفکر و دسترسی‌هایی که داشتند، جلوی کار ما را گرفتند و می‌توان گفت اراده‌ای برای ادامه اقدامات قبلی در دولت یازدهم وجود نداشت و اقدامات فعلی هم حرکتی دقیق و علمی و تأثیرگذار نبوده است. قندفروش می‌گوید ارائه‌های فعلی لباس طراحان با مجوز در سطح جمعه‌بازارها است و طراحان کارهای خوب خود را به این فضاها نمی‌آورند. عمده این طراحان نمایش‌های خصوصی آن هم برای اقشار مرفه و بخش‌های شمالی شهر و بعضا افراد چهره و هنرمندان می‌گذارند و معتقدند آشنایی و استفاده این افراد از مدل‌های آنها، نوعی نمایش زنده لباس در کل شهر خواهد بود. به همین نسبت هم معتقدند اگر مدلی در این اقشار جای خود را باز نکند، در کل شهر هم رواجی ندارد. درواقع این طراحان به‌خوبی دید روان‌شناسانه و روند گسترش مد را می‌دانند و به‌همین‌دلیل است که بسیاری از آنها مدل‌های خود را به ترکیه یا ایتالیا می‌برند تا از آنجا این مدل‌ها وارد کشور شود. وی بر این باور است که وقتی طراحان و سرمایه‌گذاران می‌بینند تجربه‌هایی مثل «جشنواره زنان سرزمین من» که توانست تعداد زیادی از طراحان و مدل‌ها را به سمت خود جلب کند، با چه سرنوشتی مواجه شده است، کلا قطع امید می‌کنند.

چند خانم نماینده در مجلس شورای اسلامی که خود را نماینده خانم‌ها می‌دانستند، به جریانی دامن زدند که مخالفت‌هایی را با جشنواره زنان سرزمین من به‌پا داشت و این در حالی بود که منابع مختلفی از دستگاه‌های اجرائی و افراد ذی‌نفوذ به‌خاطر این جشنواره از ما تشکر کردند و شورای اجتماعی کشور این کار را مورد تقدیر قرار داد و مصوب شد این جشنواره هر سال برگزار شود

وی به متولیان مرد فعال در امور مد و لباس زنان که مسئول تصمیم‌گیری برای پوشاک زنان هستند، اشاره کرد و گفت: در دولت قبل حداقل فضا برای کار فراهم شد و مسئولان این کار زنان بودند و از دولت یازدهم این انتظار می‌رفت نگاه جدیدی نسبت به این شرایط داشته باشد اما این کار اتفاق نیفتاد. خود من از ابتدا در جریان کارهای بنیاد ملی مد و لباس بودم و تا مدت‌ها در جلسات کارگروه شرکت می‌کردم و در اتاق فکر آن هم حضور داشتم اما متأسفانه این ارتباط قطع شد. قندفروش معتقد است برگزاری شوی زنده لباس، یکی از موفقیت‌های تکرارنشده جشنواره زنان سرزمین بوده و می‌گوید: این نمایش اولین نمایش ایرانی - اسلامی مد و لباس در سطحی گسترده بود که با رعایت همه شرایط شرعی برگزار شد. به عکس آنچه معمولا گفته می‌شود، ما حتی از سوی بخشی از جامعه متدینین و علما حمایت هم شدیم و هیچ منعی از نظر مسائل شرعی و مذهبی وجود نداشت، چراکه ما همه مسائل را برای لباس خانم‌ها رعایت می‌کردیم. سطح فرهنگ در جامعه ما بسیار متفاوت است و درعین‌حال هر فردی به‌ویژه هر مسئولی خود را درباره مسائل مختلف مطلع کامل می‌داند. در این جشنواره هم چند خانم نماینده در مجلس شورای اسلامی که خود را نماینده خانم‌ها می‌دانستند، به جریانی دامن زدند که مخالفت‌هایی را به‌پا داشت و این در حالی بود که منابع مختلفی از دستگاه‌های اجرائی و افراد ذی‌نفوذ به‌خاطر این جشنواره از ما تشکر کردند و شورای اجتماعی کشور این کار را مورد تقدیر قرار داد و مصوب شد این جشنواره هر سال برگزار شود. با وجود همه این اتفاقات خوب، همان دیدگاه‌های مخالف و در ادامه سلیقه‌های شخصی در مجموعه ارشاد و چند نهاد دیگر راه را برای ادامه کار بست. آنچه من متوجه شدم این بود که این کار مخالفت ساختاری نداشت و تنها برخی افراد در موقعیت‌های جدی با تفکر شخصی مخالف این کار بودند درحالی‌که اصلا نسبتی با این موقعیت و جایگاه و مسئولیت نداشتند.

وی معتقد است مسئله مد و لباس و پوشش چه ایرانی و چه اسلامی یا هر مدل دیگری، قبل از هر چیز در جامعه ما نیاز به رعایت اخلاق و تولید فرهنگ دارد و می‌گوید: زنان خارجی که به ایران می‌آیند از نوع پوشش و حتی آرایش خانم‌های ایرانی تعجب می‌کنند و این نگاه‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد سررشته کار از دست بیرون رفته است. در این شرایط با برخوردهای سلبی غیرنظام‌مند سلیقه‌ای و نه قانونی و تبلیغات‌مسموم و بدون قیدوشرط و غیررسمی در مد و لباس، شرایط پوشش دچار آسیب‌های جدی شده و نیاز به اصلاح و فرهنگ‌سازی دارد.

ادامه در صفحه ۱۷

تجربه زیسته از ام‌اس

ام‌اس یا سرطان کدام را انتخاب می‌کنیم؟

مریم پیمان

● اعصابم خیلی خورد شده. دیروز و پریروز فشار بدی را تحمل کردم. چشم‌هایم کامل تار بود. حالا که آمدم دکتر، هر چقدر به نوبتم نزدیک‌تر می‌شود، چشم‌هایم بهتر می‌بینند. کم‌کم دیگر به تلسکوپ هم برای رصد دورترین کهکشان‌ها نیازی ندارم! نمی‌دانم چرا؛ اما همیشه این‌طور است که وقتی یکی دو روز شرایط بدی دارم تا پیش دکتر می‌آیم، اوضاع خیلی بهتر از آن چیزی می‌شود که انتظارش را دارم. این وقت‌ها دلم می‌خواهد دکتر بگوید: «دیگه کوری و اوضاع بی‌ریخته!» تا شاید دیگران، لحظه‌ای در رفتارشان تأمل کنند و به این دلیل، تغییری در رفتارشان ایجاد شود؛ اما دریغ از کمی تغییر در «نسخه» و «رفتار». برای همه عادی شده.

دلت می‌خواهد داد بزنی: «مریضی سخته! به خدا سخته! کنار اومدن با این درد مکرر و مداوم سخته!». دلت می‌خواهد بگویی: «هِی! تویی که وقتی اولین‌بار شنیدی از شدت شوک و نگرانی داشتی دِق می‌کردی، یه ذره مراعات کن! حواست هست؟ من آدمم! به خدا اگر مریض هم نبودم -که در توهّم سلامت منی از شدت مراقبت و دارو- «باید» یا «اخلاقا» رفتار بهتری می‌داشتی». نه به آن شوری روزهای اول که نمی‌گذاشتن حتی پایم به داروخانه برسد و با دیدن مریض‌ها و شلوغی داروخانه و بیمارستان روحیه‌ام خراب شود، نه به الان که هِی می‌گویند: «اصلا مگه تو مریضی؟!»... «وای خدا! ... .ای‌کاش! ای‌کاش! سرطان داشتم تا بعد از دارو یا شیمی درمانی یا خوب می‌شدم یا زود می‌افتادم می‌مردم. آخه این مریضی هم، مَرَض بود انداختی به جون من؟ یا خوب شم یا بمیرم!» ترجیع‌بند دعا و نِک و ناله این روزهایم همین است.

یادم می‌آید که صدای فریاد مردی میانسال در داروخانه پیچید. چند وقت پیش بود که مردی با صدای بلند، سر دکتر داروساز داد می‌زد. تازه پیوند زده بود و قیمت بالای داروی خارجی، حذف تعرفه بیمه داروهای خارجی، سهم اندک بیمه داروهای ایرانی و «نبودِ دارو» را بر سر دکتری خالی می‌کرد که موهای زیادی روی سرش نمانده بود. فکر می‌کرد تقصیر این دکتر است که ماه و خورشید و فلک در کارند تا دارویش نباشد و اگر هم باشد، گران! مریضِ شیک، اسم ترسناک، وجود معادل‌های دارویی کم‌وبیش خوب ایرانی، دامنه نوسان کم‌قیمت، عوارض معمولی، توانمندی بیش‌ازحد تصور در زندگی روزمره، اجبار در داشتن رژیم غذایی سالم، دلیلی برای دوری از هر نوع اعتیاد به سیگار، الکل، قهوه، چای و حتی کاکائو، امکان تجربه همسری و مادری، دلیلی برای توجیه شکست‌های فردی و اجتماعی، بهانه‌ای برای گریه‌های بی‌دلیل و بی‌وقت، توصیه ورزش‌های باکلاس مثل یوگا و شنا، تحصیل و کار و... همه با ام‌اس «شدنی»اند. پس چرا من دنبال مَرَض دیگری بگردم که این امکانات را از من بگیرد. شاید که نه، حتما یک دلیل دارد؛ ما آدم‌ها فراموش می‌کنیم که می‌توانیم با هم بهتر رفتار کنیم. زندگی کنیم. محبت لای چرخ‌دنده‌های زندگی روزمره ماشینی ما درحال جان‌دادن است و شاید یک نفر در دنیا پیدا شود که باور کند یکی از دلایل من برای «انتخاب» داشتن این بیماری نیاز به داشتن زنگ هشداری است که نخواهم مثل همه باشم. نوبتم شده و چشم‌هایم و دستم هیچ اثری از بیماری ندارند، چون من می‌خواستم و می‌خواهم زندگی کنم.

جدول ۲۴۶۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- اثری از آلفرد دوموسه، نویسنده فرانسوی- داستانی نوشته بزرگ علوی ۲- موشک زمین به زمین- پروفیل فلزی به شکل زاویه قائمه- مگابایت ۳- سالک- گاری- اضافه شده ۴- N- باعث شگفتی دیگران- بعد از جنگ از دشمن باقی می‌ماند ۵- پایتخت سوییس- افسوس- بیستمین سوره قرآن ۶- از خطرناکترین جانوران دریایی- شهر مارکوپولو- از الفبای فارسی ۷- نوعی هواپیمای جنگی- طبیب مخصوص انوشیروان عادل- تخم‌مرغ انگلیسی ۸- واحد بین‌المللی فرکانس- غذای ظهر- نفی‌کننده ۹- بله آلمانی- هرج‌ومرج طلب- فاقد سقف ۱۰- بلندترین قله رشته کوه‌های زاگرس- دریاها- صلح و آشتی ۱۱- کارگر ساختمانی- نمابر- مجموعه دستگاه گوارش ۱۲- جیره و مواجب- نام ماندگار موسیقی آلمان- سفید آذری‌ها ۱۳- سرب- باجه فرودگاه برای انجام تشریفات- غریبه نیست ۱۴- ضمیر سوم شخص- از جنس آهن- زمان بین دو انقباض قلب ۱۵- گروهی از جانوران بی‌مهره- جای افروختن آتش در سماور.

عمودی:

۱- کدورت و رنجش- سردار پرافتخار اسلام و آفتاب پرفروغ دهلاویه ۲- هنرمند- کناره- کوتاهی در انجام کار ۳- واحد اندازه‌گیری طول- چند نکته- درختی با برگ‌های پنجه‌ای ۴- از ایالات آمریکا- گاو شخم زن- صحرای محشر ۵- خدای درویش- عدس پخته لعابدار- عارف و فقیه بزرگ سده چهارم هجری- نفس خسته ۶- جر و بحث کردن- شعر مراسم سوگواری- انجام‌دهنده ۷- کاشف گردش خون- پدر- نوعی طلاق ۸- کنایه از گریستن است ۹- درشت و زمخت- لاغر و نحیف- راه راست یافتن ۱۰- مثل و مانند- پرندگان- شیشه ایمنی ۱۱- رنگ موی فوری- جنگجو- پستانداری با پوزه دراز و پوست قیمتی- غذای بیمار ۱۲- شکوه و جلال- تاکنون- باطل‌کننده ۱۳- زمین‌های زراعی- اندام تنفسی ماهی- زمستان ۱۴- کبوتر صحرایی- نوعی نارنگی- مرکز فعالیتی خاص ۱۵- عجیب- نوشته موضوعی.

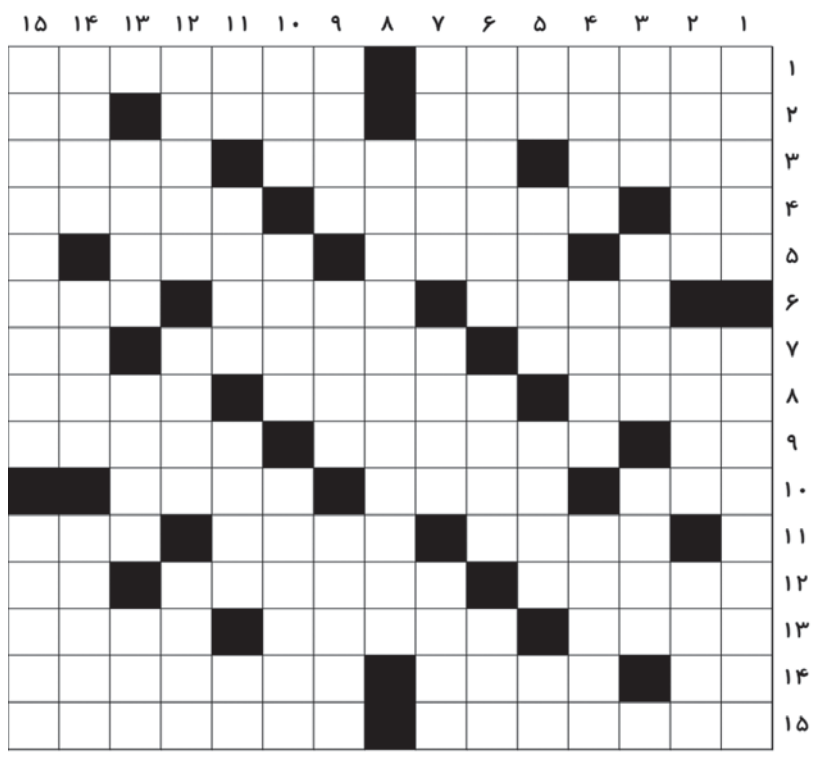

حل سودوکو سخت

۵	۸	۱	۶	۷	۲	۴	۳	۹
۶	۳	۲	۹	۸	۴	۷	۵	۱
۷	۴	۹	۱	۳	۵	۲	۶	۸
۹	۲	۳	۷	۴	۱	۶	۸	۵
۱	۶	۴	۲	۵	۸	۳	۹	۷
۸	۵	۷	۳	۶	۹	۱	۲	۴
۲	۹	۵	۴	۱	۶	۸	۷	۳
۳	۱	۸	۵	۲	۷	۹	۴	۶
۴	۷	۶	۸	۹	۳	۵	۱	۲

حل سودوکو ۱۴۵۷

۴	۵	۱	۷	۸	۳	۶	۲	۹
۳	۷	۹	۲	۶	۱	۸	۴	۵
۸	۲	۶	۹	۴	۵	۷	۱	۳
۶	۴	۸	۵	۲	۹	۳	۷	۱
۲	۱	۷	۸	۳	۴	۹	۵	۶
۹	۳	۵	۱	۷	۶	۴	۸	۲
۷	۹	۲	۶	۱	۸	۵	۳	۴
۵	۸	۳	۴	۹	۲	۱	۶	۷
۱	۶	۴	۳	۵	۷	۲	۹	۸

جدول ۲۴۶۰

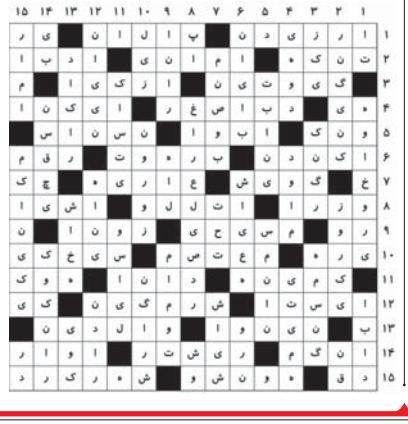

سودوکو سخت ۱۴۵۸

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۳				۶	۱		
		۶				۹	۵	
۵	۱					۶		۳
۲						۴	۸	۹
	۸	۹			۵			۲
		۷	۲	۸				
		۸		۹			۴	
						۲	۱	۷
				۲	۳			۶

سودوکو ۱۴۵۸

۵	۷			۳				۹
۱			۵	۸		۶		
۶	۸			۱				۲
۳	۱	۲				۷		
	۶			۲		۴	۹	۵
۹	۴	۵		۶				۳
۴		۷	۱		۲			
۸	۹						۵	۴
	۳	۶	۸			۹	۷	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.